

تحلیل گفتمان سیاست گذاری علمی - فناورانه در دولت های احمدی نژاد (گفتمان تجاری سازی) و حسن روحانی (گفتمان اقتصاد دانش بنیان) با تاکید بر انتقال فناوری

مصطفی مهرآیین*

نرجس زین العابدین**، امیرهوشنگ حیدری***

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تحول گفتمان سیاستگذاری علمی-فناورانه در ایران در دولت های محمود احمدی نژاد و حسن روحانی است. گفتمان های سیاستگذاری علمی-فناورانه در این دولت ها حول چه موضوعات، مفاهیم، نشانه ها، مخاطبان، هویت و ... صورت بندی شده اند؟ در این گفتمان ها به طور ویژه در حوزه انتقال فناوری چه موضوعات، مفاهیم، نشانه ها، مخاطبان، هویت و ... صورت بندی شده اند؟ محقق پس از طرح یک مدل نظری ترکیبی، به بررسی دقیق تحولات گفتمانی و بیناگفتمانی در حوزه سیاستگذاری علمی-فناورانه در دوره زمانی مورد نظر پرداخته و می کوشد نشان دهد که بر خلاف تصور معمول فرآیند تحول گفتمان سیاستگذاری علمی-فناورانه یک فرآیند انباشتی و خطی نمی باشد و تحول این گفتمان ها در فرآیندی گسسته،

* استادیار جامعه شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

ms.mehraeen@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدیریت سیاست گذاری علم و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور،

narges.zeinolabedin@gmail.com

*** استادیار، مدیر گروه دکترای آینده پژوهی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، heidari@nrsp.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷



ناپیوسته و غیر انباشتی ممکن شده است. از منظر روش شناختی، روش تحلیل گفتمان برای انجام این پژوهش بکارگرفته شده است. به تصویر کشیدن تحول گفتمان سیاستگذاری علمی-فناورانه ثروت آفرین-گفتمان تجاری سازی (دولت احمدی نژاد) به گفتمان سیاستگذاری اقتصاد دانش بنیان یا گفتمان سیاستگذاری اقتصاد اطلاعاتی (دولت روحانی) بخش تجربی این پژوهش را شکل می‌دهد. در انتها نیز، روایت های علم و فناوری مستخرج شده از دولت های احمدی نژاد و روحانی آورده شده است و نویسنده می‌کوشد تا توجه سیاستمداران و تحلیلگران را به زاویه دیگری برای سیاستگذاری و تصمیم گیری یعنی توجه به روایت ها و فرا روایت ها معطوف سازد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان سیاستگذاری علمی-فناورانه، روایت علم و فناوری، گفتمان تجاری سازی، گفتمان اقتصاد دانش بنیان، گفتمان اقتصاد اطلاعاتی.

۱. مقدمه

در سال های اخیر، تحلیلگران خط مشی موضوع خط مشی را به عنوان فرایند استدلال (Argumentation) مورد مطالعه قرار داده اند (Godin, 2009:1). دیگر خبری از تحلیل خط مشی بر اساس انتخاب منطقی و معقولیت ابزاری و همچنین خبری از مطالعه چرخه های خط مشی (هدف گذاری ← تعیین خط مشی ← پذیرش ← اجرا ← ارزشیابی) حداقل در بین نویسندگان منتقد نیست (Fischer, 2003) (Godin, 2009:1). سیاست گذاری از اولین گام (مسئله مورد نظر) تا آخرین گام (اقدام) یک ساختار مفهومی است (Godin, 2009:1).

سیاست گزاران مسئله شان را از طریق چارچوب های مفهومی طراحی می کنند که ساختار اجرای خط مشی را شکل می دهند (Godin, 2009:1). به گفته گافمن (E. Goffman)، چهارچوب ها (Frame) اصول سازمان دهی «حاکم بر مفهوم ذهنی هستند که به رویدادهای اجتماعی نسبت می دهیم»، اصولی که اطلاعات تکه تکه را به واحد ساختاریافته و معناداری تبدیل می کنند (Goffman, 1974:10).

به علاوه، با اندکی دقیق شدن در فرآیند تحول شیوه فهم از علم و فناوری در جامعه ایران معاصر و چگونگی تدوین زبانی - گفتمانی آنها در فاصله سال های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ می توان متوجه شد که این فرآیند بیش از آنکه فرآیندی علی، خطی، و انباشتی باشد، فرآیندی است گسسته، نامستمر و ناپیوسته (Foucault, 2013) که در پیوند با نقاط عطف تاریخی شکل گرفته در فاصله این سال ها در جامعه ایران قرار دارد. اهمیت پرداختن به تحول مزبور تنها به

بوجود آمدن تحول در محتوا و جهت‌گیری دولت‌های ایران نسبت به علم و فناوری باز نمی‌گردد. تحولات فهم دولت‌ها از علم و فناوری همچنین نشان‌دهنده تحولاتی است که نخست در حوزه اجتماع به وقوع پیوسته و پس از آن در قلمرو فهم از علم و فناوری تجلی یافته است.

محقق گفتمان‌های سیاست‌گذاری علمی - فناوریانه دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی را به‌عنوان مهمترین گفتمان‌های تاثیرگذار بر فضای ساخت سیاست‌گذاری‌های علم و فناوری به‌خصوص در زمینه انتقال فناوری در نظر گرفته و می‌کوشد نشان دهد این گفتمان‌ها به چه شیوه صورت‌بندی و تدوین شده‌اند. این مقاله، پژوهشی است در خصوص مکانیسم‌های گفتمانی - جامعه‌شناختی شکل‌گیری این گفتمان‌ها که با استفاده از تحلیل گفتمانی - تاریخی (Historical Discourse Analysis) روث وداک (Ruth Wodak) و نظریه و روش جیمزپل جی (James Paul Gee) در پی یافتن پاسخی برای پرسش‌های زیر است:

۱- در گفتمان دولت‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ چه ابعادی از واقعیت سیاست‌گذاری علمی - فناوریانه و انتقال فناوری برجسته شده‌اند؟ چه هویت‌هایی از کنشگران در این دوره خلق شده است؟ چه کنش‌ها و عمل‌های مختلفی در این دوره انجام شده است؟ چه روایت و تصویری از روابط انسانی و چه روایت و تصویری از جهان اشیاء، روابط میان اشیاء و روابط میان انسان و اشیاء در این دوره ارائه شده است؟ چه روایتی از وجوه خیر و شر سیاست‌گذاری علمی - فناوریانه و چه نظام زبانشناختی-معرفت‌شناختی یا چه نشانگرهای زبانی در این دوره استفاده شده است؟

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون در زمینه‌ی سیاست‌گذاری علمی - فناوریانه، پژوهش‌های بسیاری با رویکردهای مختلف انجام شده است. در اینجا با توجه به موضوع و چارچوب نظری مقاله، در ابتدا مرور مختصری بر تاریخچه سیاست‌گذاری علم و فناوری و اهمیت نقش دولت‌ها، در بخش دوم مرور کوتاهی بر تحلیل گفتمانی - تاریخی و در بخش سوم تنها به ذکر آن دسته از پژوهش‌هایی می‌پردازیم که به تحلیل گفتمان سیاست‌گذاری علمی - فناوریانه پرداخته‌اند.

۱.۲ تاریخچه سیاست‌گذاری علم و فناوری و اهمیت نقش دولت‌ها

سیاست‌گذاری علم تقریباً ۶۰ سال قدمت دارد (Godin, 2009:4). اولین استدلال‌های مدرن در توجیه سیاست‌گذاری علم، متعلق به وی. بوش و به دنبال آن متعلق به هیئت پژوهش علمی رئیس‌جمهور ایالات متحده است (Godin, 2009:4). سپس OECD ظهور کرد: از دهه ۱۹۶۰، این سازمان شروع به انتشار اسناد خط مشی کرد که تأثیر عظیمی در کشورهای عضو داشت (Godin, 2009:4). سیاست‌های پیشنهادی در طی این سال‌ها (در سطح ملی و بین‌المللی) مبتنی بر چارچوب‌های مفهومی بود که استدلال‌هایی را برای اقدام ارائه کردند (Godin, 2009:4). در قرن بیستم، حداقل هشت چارچوب مفهومی در مطالعه علوم، فناوری و نوآوری طراحی شده‌اند و در حوزه خط مشی به کار رفته‌اند (Godin, 2009:4). می‌توان این چارچوب‌ها را تقریباً به سه نسل تقسیم کرد (جدول ۱).

جدول ۱. چهارچوب‌های مفهومی مهم به کاررفته در سیاست‌گذاری علم

نسل اول	نسل دوم	نسل سوم
تأخر فرهنگی	گزارش‌ها (Accounting)	نظام نوآوری ملی
مدل خطی نوآوری	رشد اقتصادی	اقتصاد دانش‌بنیان
	رقابت‌جویی صنعتی	اقتصاد (یا جامعه) اطلاعاتی (Godin, 2009:5)

چهارچوب‌های تأخر فرهنگی و مدل خطی نوآوری متعلق به دانشگاهیان هستند (Godin, 2009:6). نسل بعدی چارچوب‌ها شدیداً متأثر از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی (به‌ویژه OECD) است، یعنی در سال‌های اولیه دولت به خودش فقط به عنوان عاملی که تأثیر غیرمستقیمی در توسعه علم و تکنولوژی داشته است، می‌نگریست، اما در طول زمان و در سال‌های بعد (نسل دوم به بعد) نقش دولت از غیر مستقیم به نقش مستقیم تغییر پیدا کرد (Godin, 2009:6). این تغییر تا حد بسیار زیادی به دلیل پیشرفت در علم و تکنولوژی که به‌عنوان عامل کلیدی در ارتقای منافع عمومی دیده می‌شد، مورد توجیه قرار گرفت (Godin, 2009:6). از این رو نقش دولت در ایجاد و کاربرد دانش تکنیکی و حمایت مالی از موسسات علمی و تکنیکی و بخش خصوصی، چه تحقیقات محض و چه تحقیقات کاربردی

مشهود تر گردید. و نسل سوم چارچوبهای مفهومی حاصل هم‌افزایی دانشگاهیان، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند (Godin, 2009:10).

۲.۲ تحلیل گفتمانی - تاریخی

تحلیل گفتمانی-تاریخی را مارتین رسیگل، روت وداک و همکارانش به عنوان الگویی تمایز یافته و کارآمد به ویژه در زمینه تحلیل گفتمان ملی‌گرایی و ساخت گفتمانی هویت ملی طراحی کردند (حاجی یوسفی و رضائی پناه، ۱۳۹۷: ۱۲۹). از این رویکرد اغلب به عنوان مکتب وین تحلیل گفتمان یاد میشود (حاجی یوسفی و رضائی پناه، ۱۳۹۷: ۱۲۹). تحلیل گفتمانی-تاریخی در عرصه تفسیر، تحلیل و تبیین روایت‌های تاریخی اهداف خاصی دارد؛ این اهداف عبارتند از: مستند کردن شرایط تاریخی وجود گفتمان در قالب تبارشناسی؛ توصیف نظامی که به صورت اجتماعی از قدرت/دانش در تحلیلی ساختاری شکل یافته است؛ تحلیل تاثیرات گفتمان در شبکه‌ای از روابط قدرت در تحلیلی از قدرت (حاجی یوسفی و رضائی پناه، ۱۳۹۷: ۱۲۹). روت وداک مفهومی به نام میدان از پیر بوردیو (Pierre Bourdieu) وام گرفته است (سعیدآبادی و همکاران، ۱۳۹۶). میدان در نظریه بوردیو به معنای تقابل‌های زندگی است (سعیدآبادی و همکاران، ۱۳۹۶). وداک معتقد است که در هر میدان مجموعه‌ای از کارکردها مشخص می‌شود. (Weiss & Wodak, 2007) این میدان‌ها به زعم او، عرصه کش‌ها هستند (Weiss & Wodak, 2007). نکته بر سر آن است که از نظر او هر یک از این کارکردها، ژانر یا زبان خاص خود را می‌سازند (Weiss & Wodak, 2007). ما در این مقاله هر دولت رو عرصه یک میدان در نظر گرفته‌ایم که کارکردهایی با ژانر زبانی خاص خود را دارا هستند و برای مشخص کردن ژانر زبانی از روش پل جی کمک گرفته شده است که در بخش چارچوب نظری به طور مفصل توضیح داده خواهد شد.

۳.۲ مروری بر پژوهش‌های گفتمانی سیاست‌گذاری علمی-فناورانه

براساس بررسی‌های انجام گرفته، تاکنون بیشتر پژوهش‌های خارجی، سیاست‌گذاری علمی-فناورانه را بر مبنای تحلیل‌های استدلالی و گفتمانی مورد بررسی قرار داده‌اند.

اران فیشر (Eran Fisher) معتقد است که گفتمان فناوری نشانه‌ای از یک تغییر تاریخی در مشروعیت فناوری سرمایه‌داری، همزمان با ظهور مرحله پسا فوردیستی (Fordist) سرمایه‌داری است. گفتمان فناوری با تأکید بر توانایی فناوری و تکنیک برای کاهش استثمار، فاز فوردیستی سرمایه‌داری، خروج دولت از بازارها، سلسله مراتب و تمرکززدایی کسب و کارها، و انعطاف‌پذیری تولید و فرآیند کار را مشروعیت می‌بخشد (Fisher, 2010). سیمون آبرام (Simone Abram) به طور خلاصه مجموعه‌ای از ایده‌ها را در مورد مقوله‌های علم و سیاست معرفی می‌کند: نظریه شبکه بازیگر، نظریه‌های شاخص و عاملیت جل (Gell's theories) و مطالعات حکومتی و همچنین راه‌هایی را بررسی می‌کند که در آن علم به یک عنصر گفتمانی در دولت معاصر تبدیل شده است (Abram, 2005). ایگیل کالرود (Egil Kallerud) چارچوب‌های گفتمانی برای سیاست علم، فناوری و نوآوری (STI) اغلب بر تازگی، انتقال و تغییر تأکید دارند. او در مقاله‌اش به جنبه‌هایی از گفتمان تغییرات اساسی و جدید در سیاست STI می‌پردازد که عملاً در چارچوب‌های علم/جامعه (اقتصاد) وجود ندارد (Kallerud, 2011). هافمن ژانت (Hofmann, Jeanette) معتقد است، تفاسیر واقعیت یک بعد مهم و گاه حتی تعیین‌کننده از فرآیند سیاست‌گذاری است. او در مقاله‌اش به دنبال نشان دادن این نکته در زمینه سیاست فناوری است (Hofmann, 1995). تیم فلینک و دیوید کالدیوی (Tim Flink & David Kaldewey) معتقدند، سیاست علم، فناوری و نوآوری (STI) توسط مجموعه‌ای از مفاهیم، مدل‌ها و استعاره‌های احتمالی تاریخی انجام می‌شود. از حدود سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، زبان آن تحت تسلط، استعاره قرارداد (Contract Metaphor) و مدل خطی نوآوری بود، در حالی که مدل‌های جدید برجسته دهه ۱۹۹۰ (مد ۲، علم پس از نرمال سازی، مارپیچ سه‌گانه، Mode 2، Post-normal science, Triple helix) استعاره قرارداد قدیمی را به چالش می‌کشیدند، اما آن‌ها فرزندان فکری متخصصان باقی ماندند. در مقابل، پس از سال ۲۰۰۰، شاهد ظهور و تکثر چندین مفهوم جدید و قدرتمند بودیم. در نهایت، بحث شده است که کدام ویژگی‌های مفهومی و استعاره‌ای کار گفتمان‌های سیاست STI را در قرن بیست و یکم امکان‌پذیر می‌سازد (Flink & Kaldewey, 2018). سارا شو (Sara Shaw) در مقاله‌اش ابزارهایی را بررسی می‌کند که از طریق آن یک حوزه از سیاست‌های تحقیقات سلامت چگونه فعال و محدود می‌شود. برای پاسخ به پرسش‌ها، از رویکرد فوکویی برای تحلیل گفتمان استفاده شده است تا ریشه‌های تاریخی، اجتماعی و ایدئولوژیک متون سیاستی و نقش قدرت و دانش در توسعه سیاست را به صراحت تشخیص دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که چگونه گفتمان‌های سیاسی قدرتمندی که

توسط نیروهای تاریخی و اجتماعی شکل گرفته‌اند، بر نوع پژوهش انجام شده، توسط چه کسی و چگونه تأثیر می‌گذارند (Shaw & Greenhalgh, 2008). آنا کوکونن (Anna Kukkonen) و همکاران در مقاله خود، استدلال کرده‌اند که رابط علم-سیاست را می‌توان به عنوان یک شبکه گفتمانی که توسط تعامل گفتمانی بین سازمان‌های علمی و سایر بازیگران تشکیل شده است درک کرد و با نشان دادن اینکه چگونه تجزیه و تحلیل شبکه‌های گفتمان و ویژگی‌های آنها می‌تواند به ما در درک تغییرات در نقش علم در سیاست‌گذاری در طی زمان به ما کمک کند، به غنی شدن ادبیات کار کمک شده است (Kukkonen & Ylä-Anttila, 2020). فردریک کلاس (Frédéric Claisse) و همکاران در مقاله خود به تلاش‌های قبلی برای ادغام روایت‌شناسی در تحلیل سیاست‌ها می‌پردازند و با پذیرش تعریفی باز از روایت، بر اهمیت حفظ سطوح روایی متمایز و به‌طور کلی‌تر، در نظر گرفتن بعد عمل‌گرایانه روایت به‌عنوان یک فعالیت، از جمله نقش اغلب ضمنی و تمرکز تحلیل‌گر سیاست تأکید می‌کنند. مقاله آنها با رویکردی «بازنگری شده» روایت‌های سیاست، دور از دوگانگی پوزیتیویستی و پس‌پوزیتیویستی، در مورد «برجستگی روایت» مورد آزمایش قرار می‌دهد که در آن خط داستانی خاص، یعنی سیستم‌های نوآوری ملی، چنان مسلط است که به نظر می‌رسد هیچ "ضد داستان" وجود ندارد (Claisse & Delvenne, 2017). جیمیسون اندرو و میکائیل هارد (Jamison, Andrew, and Mikael Hård) در مقاله خود سه خط داستانی از تغییرات فناوریانه را در تضاد قرار می‌دهند که نشان‌دهنده سه راه متفاوت برای تفکر در مورد نوآوری به عنوان یک فرآیند اجتماعی است. برای خط داستانی نوآوری، عوامل مربوطه تولیدکنندگان محصولات تجاری هستند که اغلب به عنوان سیستم‌های نوآوری شناخته می‌شوند. برای خط داستانی ساخت، عاملیت به عنوان آن دسته از بازیگران خاص که به یک مصنوع خاص و انتشار آن علاقه دارند، مفهوم‌سازی می‌شود. برای خط داستانی تخصیص، آژانس اجتماعی به جوامع کاربری مختلف متمایز می‌شود. از نظر آنها وقتی روابط بین فناوری و جامعه را تحلیل می‌کنیم، مهم است که بدانیم چه نوع داستانی را تعریف می‌کنیم و کدام خط داستان یا استراتژی روایت را دنبال می‌کنیم (Jamison & Hård, 2003). الیزابت ا. شاناهان و همکاران (Shanahan, Elizabeth A., et al) معتقدند چارچوب خط‌مشی روایی (Narrative Policy Framework (NPF)) یک نظریه جدید و در حال بلوغ از فرآیند سیاست است که رویکردی سیستماتیک و علمی برای درک ساخت اجتماعی واقعیت‌های سیاست دارد پرسش‌های اصلی NPF عبارتند از: نقش تجربی روایت‌های سیاست در فرآیند سیاست‌گذاری چیست و آیا روایت‌های خط‌مشی بر

نتایج سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارند؟ ابتدا، کمک‌های تحقیقاتی NPF در سه سطح تحلیل - میکرو، مزو و کلان - مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه مقاله، شرایط لازم یک روایت خط‌مشی، همراه با بحث مفصل درباره مولفه‌های روایت: عناصر روایی، راهبردهای روایی و باورهای سیاستی، مشخص شده است (Shanahan, et al, 2013).

با این وجود، چند پژوهش داخلی را نیز می‌توان یافت که بر مبنای تحلیل گفتمان به بررسی سیاست‌گذاری‌های علمی و نظام آموزشی عالی در ایران پرداخته‌اند. پارسانیا و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود به سیاست‌های علمی پس از انقلاب اسلامی در بخش علم با تأکید بر علوم انسانی می‌پردازند و درصدد پاسخ به این پرسش‌اند که پس از شکل‌گیری نظام اسلامی در ایران، در سیاست‌های تدوین‌یافته در زمینه علم (انسانی)، به چه اموری توجه شده است؛ سیاست علمی چه تغییراتی را پشت‌سر گذاشته و از چه الگویی تبعیت می‌کند. روش تحقیق با توجه به تأکیدی که بر اسناد بالادستی وجود دارد تحلیل محتوا و در مواردی به تحلیل گفتمان است و نتیجه تحقیق رشد تدریجی توجه به علم طی سال‌های پس از انقلاب و استفاده از الگوهای متنوع در سیاست‌گذاری، و غلبه حاکمیت سیاست تبعی در نگاه به علم (انسانی) است (پارسانیا و پرهیزکار، ۱۳۹۲). پورعلی و همکاران (۱۳۹۴) تلاش کرده‌اند، تا تحلیل گفتمانی از سیاست‌گذاری فرهنگی دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی در حوزه آموزش عالی و نسبت سنجی آن با نظم گفتمانی آموزش عالی ارائه کنند. از جمله مهم‌ترین نتایج پژوهش آنها این بود که سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی نباید با نظم گفتمانی دانشگاهی حاکم بر میدان علم و نهاد دانشگاه ناسازگار باشد و با تأکید بر ناسازگاری قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار ادعا کرد گفتمان دولت نهم و دهم با محوریت دال اسلامی شدن دانشگاه و تأکید بر رویکرد اجرایی و مدیریتی برای تحقق آن علی‌رغم قابلیت دسترسی؛ نتوانست در دانشگاه از اعتبار لازم برخوردار شود (پورعلی و فیرحی، ۱۳۹۴). شیربگی و همکاران (۱۳۹۹) با بهره‌گیری از تحلیل انتقادی گفتمان تلاش کرده‌اند، نظم گفتمانی حاکم بر نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی مفصل‌بندی سیاست‌های آموزشی در گفتمان مذکور را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد که گفتمان آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران حول دال مرکزی «فرهنگ اسلامی» مفصل‌بندی شده است و دال‌هایی همچون «نفی سکولاریسم»، «تحول آموزش»، «مقابله با تهاجم فرهنگی»، «گزینش کارگزاران آموزش»، «خصوصی‌سازی آموزش» و «اسلامی شدن دانشگاه» حول این دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند. هرکدام از این دال‌ها به میانجی تصویب

و ابلاغ قوانین و اسناد بالادستی ای ظهور پیدا کرده اند که مستلزم اتخاذ سیاست‌های آموزشی ویژه ای بوده است. سیاست‌های آموزشی در این سیر تاریخی، ابعادی ایدیولوژیک، ارزشی و هم‌چنین اجرایی به خود گرفته اند (شیربگی و عبدالله زاده، ۱۳۹۹). خلیلی و همکاران (۱۳۹۶) با هدف فهم و تبیین عدم تحقق استقلال دانشگاهی مطلوب در نظام آموزش عالی ایران به لحاظ تاریخی، پژوهشی انجام داده‌اند. روش‌شناسی پژوهش متأثر از رویکرد روث و داک، «تحلیل گفتمان انتقادی» است. و در انتها، راهبردهای سیاستی «حضور هر چه بیشتر دانشگاهیان در اداره کردن آموزش عالی»، «تعدیل نگرش‌های سیاسی و مذهبی»، «بازنگری دیدگاه سنتی و دولت‌گرا در آموزش عالی» و «کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به منابع دولتی» برای احیای استقلال دانشگاهی در ایران پیشنهاد شده است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۶).

۳. مبانی نظری

پاسخ گفتن به پرسش‌های این پژوهش نیازمند رفتن به سوی نظریه‌های مربوط به "گفتمان و واقعیت" و بهره‌گرفتن از قدرت تبیینی-تشریحی نظریه‌های مزبور است. نظریه‌های مزبور به ما می‌گویند که چه رابطه‌ای میان گفتمان‌های علم و فناوری در دولت‌ها با واقعیت اجتماعی بیرونی وجود دارد. به عبارت دیگر، نظریه‌های مزبور نشان می‌دهند که رابطه دیالکتیکی میان واقعیت و گفتمان‌ها به چه شیوه‌هایی قابل تصور است. تاکنون در ادبیات نظری مربوط به گفتمان (زبان) و واقعیت بر دو رویکرد تأکید شده است: ۱- نظریه بازتاب یا نظریه تقلید از واقعیت و ۲- نظریه بازنمایی یا نظریه تولید واقعیت در متن (Shi-Xu, 2005) (مهرآیین، ۱۳۹۲). بنا به نظریه نخست، گفتمان‌ها (زبان) آینه واقعیت است (Shi-Xu, 2005). به عبارت دیگر، گفتمان چیزی جز تجلی واقعیت در عالم متن نیست (Shi-Xu, 2005). از این رو، گفتمان در تطابق کامل و یک به یک با واقعیت بیرونی-عینی قرار دارد و ماهیت واقعیت بیرونی-عینی، ماهیت گفتمان را مشخص می‌کند (Shi-Xu, 2005) (مهرآیین، ۱۳۹۲). در نظریه دوم، برخلاف نظریه نخست، چنین گفته می‌شود که گفتمان آینه واقعیت نیست، گفتمان به تولید حقیقت در قالب نظام نشانه‌شناختی-زبان‌شناختی می‌پردازد (Jørgensen & Phillips, 2002). گفتمان‌ها تولیدکننده حقایق (محدود و مشروط) در خصوص واقعیت بیرونی-عینی (پیچیده، متکثر و نامحدود) است (Jørgensen & Phillips, 2002). در اینجا، نظریه‌ها عموماً سخن از مکانیسم‌ها، راهکارها و تکنیک‌های زبانی-نشانه‌شناختی می‌گویند که گفتمان از طریق آنها به تولید نمادین واقعیت می‌پردازد (مهرآیین، ۱۳۹۲). تلقی زبان به مثابه یک سیستم که تابع واقعیتی نیست که آن را

بازتاب می‌دهد، در زبان‌شناسی ساختارگرا ریشه دارد (Howarth, 2000). نظریه گفتمان یا نظریه تولید حقیقت بر این مساله تاکید می‌نماید که "ما واقعیت را تنها به واسطه‌ی روایت‌ها، تصاویر و داستان‌ها تجربه می‌کنیم" (Fischer, 2003) (Godin, 2009) (مهرآیین، ۱۳۹۲) (Kaplan, 1986). این اشکال نمادین هرگز واقعیت را شفاف و خشی منعکس نمی‌کنند، بلکه آن را مطابق با رمزگان و سنت‌های هر جامعه‌ی معین بازمی‌تابانند (Fischer, 2003). این نظام‌های نمادین و نشانه‌شناختی خشی نیستند (Howarth, 2000). آنها ساخت‌هایی ثابت و ازلی نیستند و واقعیت‌های اجتماعی را وساطت می‌کنند (Howarth, 2000). آنها خود ساخته می‌شوند و در معرض تعدیل و تغییر قرار دارند (Jørgensen & Phillips, 2002) البته این بدان معنا نیست که هیچ جهان مادی واقعی وجود ندارد، بلکه مهم معنایی است که به جهان مادی داده می‌شود (Calvert, et al, 2007) (Howarth, 2000) (Jørgensen & Phillips, 2002). زبان دستگاهی‌ست که خلق می‌کند و در نتیجه جهان اجتماعی را می‌سازد. در عین حال هویت‌های اجتماعی و روابط اجتماعی را نیز به‌وجود می‌آورد (Jørgensen & Phillips, 2002) به این معنا که تغییر در گفتمان وسیله‌ای برای تغییر جهان (Jørgensen & Phillips, 2002).

جیمز پل جی، نورمن فرکلایف (Norman Fairclough)، روث وداک و تئونون دایک (Teun A. van Dijk) از دیگر نظریه‌پردازان گفتمان هستند که توانسته‌اند در ادامه نظریه هلیدی (Halliday) به صورت‌بندی نظریه "فراگفتمان" خاص خود پردازند و هر یک به نوعی به ما نشان دهند که مهمترین مولفه‌های یک گفتمان چیست و چگونه و بنا به چه روشی می‌توان به استخراج این مولفه‌ها از درون یک گفتمان پرداخت (مهرآیین، ۱۳۹۲).

۱.۳ مباحث نظری بالا چگونه می‌توانند به کار ما آیند؟

بی‌شک، آنچه ما در این پژوهش در پی آن هستیم را می‌توان با تکیه بر نظریه‌ی گروه دوم "رویکرد خلق پدیده‌ها از طریق گفتمان"، به انجام رساند. ما در تحلیل خود، با تکیه بر آنچه وداک در خصوص مفهوم میدان و میدان‌های زبانی مطرح نمود، گفتمان‌های تولید شده در هر یک از دولت‌ها پس از انقلاب را یک میدان در نظر خواهیم گرفت که در آن کارکردهای زبانی متفاوتی در حال انجام است و این کارکردها هر یک زبان خاص خود را می‌سازند. باین‌حال، همچون پل جی معتقدیم که هر یک از این قطعات زبانی خود دارای قطعات کوچک‌تری است که به انجام هفت کنش زبانی مدنظر پل جی می‌پردازند. در بخش روش‌شناسی

و روش تحقیق نشان خواهیم داد که چگونه می‌توان این مباحث را در یک اسلوب و قالب روشی به کار گرفت و با استفاده از آن‌ها به تحلیل متن پرداخت.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-اکتشافی است؛ از این رو، در پی اثبات یا رد فرضیه خاصی نیست. داده‌های این پژوهش از جنس داده‌های متنی هستند. داده‌های متنی مزبور عبارتند از صحبت‌های رئیس جمهور، صحبت‌های رهبر، وزرای درگیر در بحث علم و فناوری، اسناد بالا دستی، قوانین و آیین‌نامه‌ها به خصوص در وزارت علوم و برحسب نیاز محقق به اسناد دیگر نیز رجوع کرد. داده‌هایی از جنس داده‌های این پژوهش را عموماً می‌توان در کتاب‌خانه‌ها یا بانک‌های اطلاعاتی جستجو و بدست آورد. از این رو، شیوه گردآوری داده‌های این پژوهش همان روش معمول اسنادی و جستجو در مراکز آرشیو و انباشت اسناد و داده‌های متنی بوده است. بی‌تردید، تعداد گفتمان‌های تولید شده در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ که در آن‌ها از علم و فناوری سخن گفته شده است بیش از آن می‌باشد که محقق بتواند به تحلیل تمامی آن‌ها در تحقیقی از این گونه بپردازد. از این رو، جمع‌آوری داده‌های ما تا حدی بود که روایت دولت‌ها از علم و فناوری مشخص گردد. به علاوه، برای بکارگیری داده‌ها و اطلاعات جمع شده و یافتن کارکردهای هر یک از دولت‌ها، از روش کدگذاری استفاده شده است.

همچنین برای دستیابی به روایت تجربی حاصل از تحلیل داده‌های تحقیق، رویکرد گفتمانی-تاریخی روٹ وداک و نظریه پل جی بکارگرفته شد. بنا به روش پل جی هر متن زبانی مرکب از «شش قسمت» است که در آن بنا به «هفت عمل زبانی» که زبان آن‌ها را انجام می‌دهد، واقعیت خلق می‌گردد (مهرآیین، ۱۳۹۶: ۵۷). اگر در تحلیل یک متن بتوانیم این هفت کنش زبانی و عناصر و روابط زبانی که این کنش‌ها را عملی می‌سازند را شناسایی نماییم در واقع توانسته‌ایم به تحلیل گفتمان توصیفی یک متن بپردازیم (مهرآیین، ۱۳۹۶: ۵۷). بنا به نظریه پل جی زبان تنها در پی انتقال اطلاعات نیست بلکه زبان به انجام کنش‌های متفاوت می‌پردازد که وی آن‌ها را چنین برمی‌شمارد: (۱) اهمیت بخشیدن، (۲) عمل و کنش‌های متفاوت، (۳) هویت سازی، (۴) سیاست، (۵) ایجاد روابط انسانی، (۶) ایجاد پیوند میان چیزها، (۷) خلق یک نظام زبانی- معرفتی (مهرآیین، ۱۳۹۶: ۵۷). نظریه پل جی در توصیف ساختار حاکم بر قطعات زبانی بسیار کارآمد می‌باشند، باین حال، نظریه روٹ وداک با پرکردن خلاءهای این دو نظریه ما را به وجوه دیگری از رویکرد فراگفتمان آشنا می‌کند (مهرآیین، ۱۳۹۶: ۵۸).

ما بر اساس رویکرد وداک، در برخورد با داده‌های متنی یا همان متن، گفتمان‌های دولت‌های مزبور را به عنوان یک میدان زبانی در نظر گرفتیم که مرکب از کارکردهای متفاوت و ژانرهای زبانی مربوط به آنها می‌باشد. محقق پس از انجام این کار و جای دادن مجموع داده‌های موجود در کارکردهای متفاوت و تعیین قطعات زبانی مربوط به هر یک از این کارکردها، با کمک روش پل جی به شناسایی اجزاء کلیدی هر ژانر زبانی و روابط موجود میان آنها می‌پردازد. و در نهایت، برای اعتبارسنجی پژوهش از اجماع و نظر ده نفر از کارشناسان، صاحب‌نظران و خبرگان مرتبط و آگاه به موضوع با در نظر گرفتن دو معیار برگزیده‌ی پاتر و وتزل (۱۹۸۷) یعنی انسجام و سودمندی کمک گرفته شد.

۵. پژوهش تجربی

ما در ادامه، به شیوه‌ای که در بخش روش تحقیق گفته شد، به تحلیل متن گفتمان علم و فناوری در دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی می‌پردازیم و در پایان به بیان روایت‌های علم و فناوری استخراج شده از گفتمان‌های این دو دولت خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد صورت‌بندی گفتمانی، گفتمان علم و فناوری در گفتمان دولت‌ها مرکب از چه اجزاء و ابعادی است.

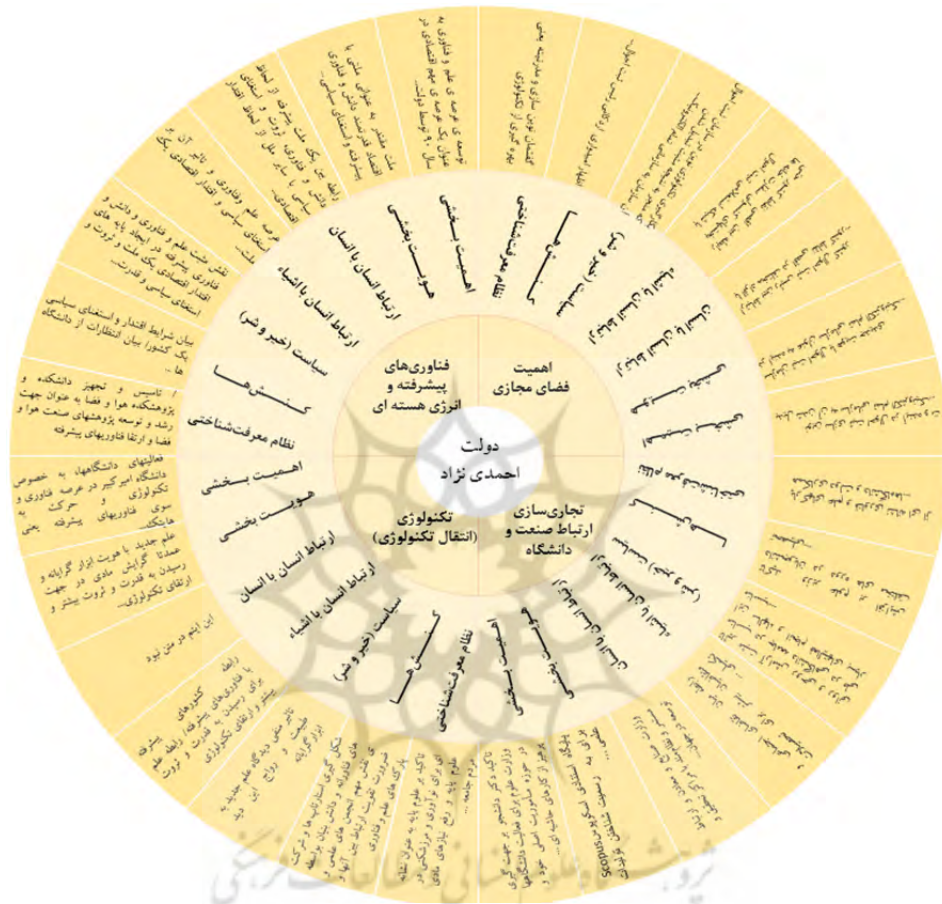
تقریباً از روزهای نخست دولت دوم اصلاحات و ذیل برنامه سوم توسعه بود که سخن گفتن از ایجاد تحول در دانشگاه‌ها، رفتن به سمت نسل سوم دانشگاه‌ها، انجام جهاد علمی، بالا کشیدن سطح علمی کشور، افزایش میزان تولیدات علمی کشور، تبدیل کردن دانشگاه‌های کشور به بهترین دانشگاه‌های منطقه و جهان، تجاری کردن علم و فناوری، ایجاد پیوند میان علم و صنعت، وظیفه کارآفرینی دانشگاه‌ها و ... در میان جامعه دانشگاهی و سیاست‌گذاران حوزه علم و فناوری گسترش یافت و تمامی فضاها بحث و گفتگو در مورد آموزش عالی را گرفتار در خود ساخت. تکرار منظم و سیستماتیک بیست ساله این مباحث و موضوعات در فضاهای زبانی مختلف مانند دستور جلسات، سخنرانی‌ها، همایش‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها، گزارش‌های تحقیقاتی، سندهای چشم انداز، برنامه‌های توسعه، و... البته، تنها به بازگویی چندباره و چند باره برخی دیدگاه‌ها محدود نشد و این دیدگاه‌ها آرام آرام خود را تبدیل به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، آیین‌نامه‌ها، قوانین، مناسک و حتی نهادها و سازمان‌ها نمودند. وجود (۱) گزاره‌هایی همچون «ایران کشوری است توسعه یافته که با اتکاء به تولید علم و فناوری و دانش پیشرفته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه دست یافته است» (سند چشم انداز

جمهوری اسلامی ۱۴۰۴، ۱۳۸۲)، «اقتصاد متنوع و متکی بر دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین» (ماده ۲۶ برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳)، «افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان» (ماده ۹ برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳)، «تقویت علم و فناوری به منظور گسترش حوزه نفوذ و اقتدار ملی»، «آرمان مقدس فتح قله‌های علمی و عبور از مرزهای دانش»، «کسب جایگاه برتر فرهنگی سیاسی»، «تصاحب سهم اقتصادی بیشتر در مناسبات متکثر، متنوع و پرشتاب جهانی» (مقدمه آیین نامه ارتقای مرتبه اعضای هیات علمی)، ... و خلق ابرژه‌ها و سوزدهایی همچون «دانش به مثابه عامل ایجاد کالا، ثروت، خدمات، نفع، انتفاع، سود، صنعت، بازار، محصول، مهارت، نتیجه، کسب و کار، رشد اقتصادی، کارآفرینی، تمایلات روزمره کسب و کار، متوسط‌گرایی علمی، اثربخشی اقتصادی و بازاری، ارزش‌های مبادله‌ای بازار، و...» (درمقابل تصور قدیمی تر که بر دانش به عنوان عامل فضل، معنا، جریان معرفت، فهم، اکتشاف، صدق، نقد اجتماعی، دانشگاه، شایستگی آکادمیک، کتابخانه، مفهوم آفرینی معرفتی، مساله‌آفرینی علمی، تمایلات روشنفکرانه، نخبه‌گرایی، اصالت معرفت‌شناختی، ارزش‌های استعلایی علمی، و... تاکید می‌کرد)، «شرکت‌های دانش‌بنیاد»، «نظام فناوری»، «دانشگاه کارآفرین»، «دانشگاه نسل سوم»، «مناطق آزاد پژوهش و فناوری»، «پارک علم و فناوری»، «خصوصی‌سازی فعالیت‌های آموزش عالی، پژوهش و فناوری»، «تبدیل ایده به محصول»، «استادان اثربخش»، «استادان آورنده طرح‌های ثروت‌آفرین»، «اقتصاد دانش»، و... (فراستخواه، ۱۳۸۶)، در کنار ۲) کردارها و مناسک‌های اجرایی - مدیریتی از قبیل آیین‌نامه ارتقاء مرتبه اعضای هیات علمی، ایجاد پرونده ارتقاء، برگزاری مناسک ممیزی، صدور احکام موافقت می‌شود یا نمی‌شود، آرشیوکردن پرونده‌ها، یا اعمال و کردارهای نمادینی همچون نوشتن، ارجاع دادن، شرکت در سمینار، انتشار به صرف انتشار، دفاع از تز، چاپ مقاله، استماع سخنرانی، ابراز نظر در جلسات، ارائه طرح‌های کارآفرینی، ثبت اختراع، ارائه فعالیت‌های مشاوره‌ای، خلق نوشتارهای کوتاه اجرایی-مدیریتی، گرفتن تاییدیه‌های صنعتی - آزمایشگاهی، و... (۳) «مادی شدن‌ها» و «نهادسازی‌ها» از قبیل شکل‌گیری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی عتف، هیات‌های ممیزی، معاونت‌های برنامه ریزی و کارآفرینی، دانشگاه علمی - کاربردی، نظام فنی - حرفه‌ای، جهاد دانشگاهی، رشته‌های علمی - کاربردی، و... زمینه‌ساز خلق نظم مدیریتی - سیاست‌گذاری در جامعه ایران شد که امروزه آن را به عنوان گفتمان سیاست‌گذاری علم و فناوری ثروت آفرین یا گفتمان تجاری‌سازی علم و فناوری نامید. دولتمردان و مسئولین (دولت محمود احمدی نژاد) دخیل در حوزه علم و فناوری از قبیل محمدمهدی زاهدی، کامران دانشجو،

محمود ملاحاشی، کامران باقری لنکرانی، مرضیه وحید دستجردی، محمدحسن طریقت منفرد، علیرضا طهماسبی، علی اکبر محرابیان، مهدی غضنفری و... را می‌توان نمایندگان این رویکرد در سیاستگذاری علم و فناوری در نظر گرفت که به گسترش این گفتمان در فضای سیاسی- معرفتی ایران کمک کرده‌اند. بررسی انتقادی وجوه آسیب‌زا گفتمان سیاستگذاری علمی-فناورانه ثروت آفرین یا گفتمان تجاری سازی علم و فناوری در دولت احمدی نژاد باعث شد که مسئولین دخیل در حوزه علم و فناوری در دولت اعتدال (دولت حسن روحانی) ادبیات تجاری سازی را تا حدی به کنار گذاشته و با پذیرش دیدگاه‌های انتقادی سخن از گفتمان جدیدی به نام «گفتمان اقتصاد دانش بنیان» یا «گفتمان اقتصاد اطلاعاتی» بگویند.

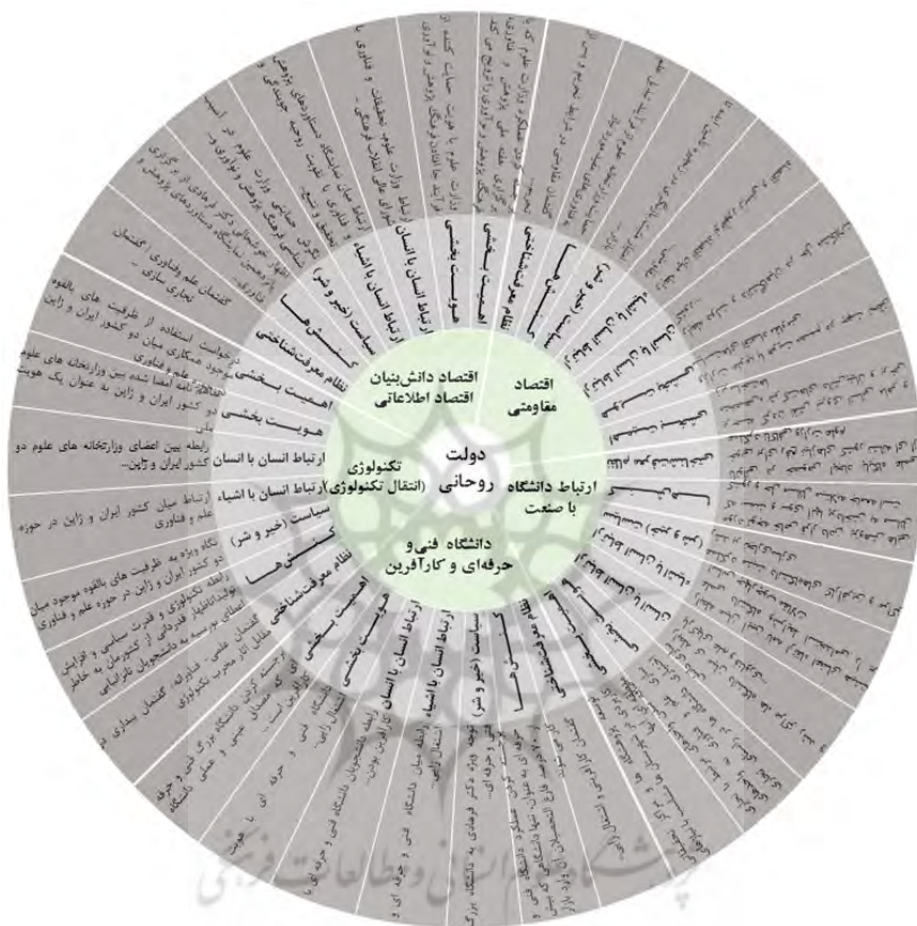


۱.۵ میدان گفتمانی سیاست گذاری علمی-فناورانه تجاری سازی-ثروت آفرین
دولت احمدی نژاد



شکل ۱. میدان گفتمانی، کارکردها و تحلیل کارکردها دولت احمدی نژاد

۲.۵ میدان گفتمانی سیاست‌گذاری علمی-فناورانه اقتصاد دانش‌بنیان - اقتصاد اطلاعاتی دولت روحانی:



شکل ۲. میدان گفتمانی، کارکردها و تحلیل کارکردها دولت روحانی

۳.۵ تفسیر داده‌های دولت‌ها

۱.۳.۵ روایت علم و فناوری در دولت احمدی‌نژاد (تجاری سازی)

در آن دوره براساس داده‌های موجود، به نظر می‌رسد گفتمان تجاری‌سازی، نوین‌سازی و مدرنیته یعنی بهره‌گیری از فناوری روز در ایجاد دولت الکترونیک بسیار پررنگ بود که این

خود منشاء اقداماتی شد که از جمله این اقدامات می‌توان به تبدیل کردن سازمان ثبت احوال به سازمانی تمام الکترونیک، صدور کارت هوشمند ملی و کاربرد این کارت به عنوان وسیله‌ی برای تصدیق رسمی و حقوقی اظهارنامه‌های مالیاتی، امضا دیجیتال و... اشاره کرد. در ضمن در راستای دولت الکترونیک در استان گلستان ۳۸۰ دفتر ICT راه‌اندازی شد.

اطلاعات مکتسبه از منابع رسمی اشاره به آن دارد که موضوع فضای مجازی در دوره آقای احمدی‌نژاد به عنوان مهمترین مسئله در فضای دانش و ارتباطات در آن دوره مطرح بود. تاثیر پیشرفت ارتباطات و فضای مجازی در حوزه‌های فضایی، ماهواره‌های ارتباطی و سنجشی و ارتباطات زمینی بسیار پر رنگ بود. به نظر می‌رسد که در نتیجه همه این اقدامات و نگرش‌های تجاری سازی بود که عرصه‌ی علم و فناوری به عنوان یک عرصه‌ی مهم اقتصادی در سال ۹۰ که سال جهاد اقتصادی نامیده شده بود توسعه‌ی قابل توجهی داشت. پرتاب کاوشگر به فضا به طور نمونه شلیک موشک سجیل ۲ به عنوان نقطه‌ی عطف تولید فناوری و تجاری‌سازی در حوزه هوا و فضا و ورود به عرصه‌های فناوری‌های پیشرفته، تولید دارو بویژه داروهایی با فناوری‌های پیشرفته و همچنین سرمایه‌گذاری بر تولید داروهای گیاهی و فناوری نانو و بیوفناوری، افزایش شش برابری داروهای نو ترکیب افزایش صادرات کالا و خدمات دانش‌بنیان در دوران تحریم، موفقیت ایران در بومی سازی انرژی هسته‌ای و دستیابی به توفیقات روز افزون با وجود تهدیداتی که در زمینه هسته‌ای با آن همواره مواجه بود، از جمله اقدامات برآمده از آن تاکید بودند. افزایش دو برابری پارکهای علم و فناوری در آن دوره، پایه گذاری درست در تجاری‌سازی فناوری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برای افزایش سطح تاثیرگذاری جامعه علم و فناوری، راه‌اندازی نخستین گلخانه کشت گیاهان تراریخته در پژوهشکده بیوفناوری کشاورزی در قالب طرح کلان ملی فناوری و نوآوری، کسب جایگاه سیزدهم ایران در تولید علم زیست‌فناوری و... نیز به عنوان بخشی از دستاوردهای سال جهاد اقتصادی و همچنین به عنوان نشانه‌ای بر پیشرفت‌های علمی و فناوری کشور بود و به علاوه، با توجه به داده‌های بدست‌آمده، ایران رتبه اول علمی در منطقه در گزارش‌های مراکز علمی معتبر را دنیا بدست آورد. به علاوه مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران برای تولید رادیو داروها با استفاده از اورانیوم غنی شده‌ی بیست درصد تلاش میکرد. روز ملی فناوری هسته‌ای به عنوان یادآوری‌کننده پیشرفتهای فناوری هسته‌ای ایران نامیده شد. انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست

به عنوان شعار و مانیفست رئیس جمهور آقای احمدی نژاد در تشریح حق مسلم کشور برای دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای و عدم تجدید نظر در برنامه های هسته ای ایران بود.

شواهد بدست آمده اشاره به این دارند که ستادهای توسعه فناوری در حوزه های زیست فناوری، فناوری نانو، فناوری هسته ای، فناوری اطلاعات و فناوری هوا و فضا شکل گرفتند که وظیفه ی اصلی آن ها هدایت، سیاستگذاری و حمایت مالی مراکز تحقیقاتی حوزه های مختلف را در دانشگاهها و پژوهشگاههای کشور در راستای تجاری سازی بود.

در ادامه این فعالیتها، با توجه به مدارک و اطلاعات موجود، می توان به حائز اهمیت بودن همکاری دولت، دستگاه های صنعتی، دستگاه های مدیریتی و دستگاه های دانشگاهی در چرخه ایده ی علمی تا مصرف و فعالسازی پارکهای علم و فناوری با هدف رفع مسئله ی این چرخه ی در راستای تجاری سازی اشاره کرد.

ورود آسان داوطلبان به دانشگاه ها، حذف کنکور، افزایش پذیرفته شدگان در دوره های تکمیلی، افزایش وام های دانشجویی، توجه به فعالیت های فرهنگی دانشجویان، گسترش تعداد مقالات چاپ شده در مجلات معتبر بین المللی، توجه به قراردادهای پژوهشی دانشگاه ها با صنعت و بهبود وضعیت آموزشی دانشگاه ها و تجاری سازی همواره از جمله دغدغه های پیش روی مسئولان و سردمداران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود.

از دیگر اقدامات انجام شده، با توجه به داده های موجود، برای نزدیکی دانشگاه و صنعت در راستای تجاری سازی می توان به دانشگاه جامع علمی و کاربردی به عنوان ارتباط دهنده میان صنعت و دانشگاه که بسیار فعال تر از گذشته فعالیت خود را ادامه داد اشاره کرد. و در راستای کارآفرینی، تجاری سازی و اشتغالزایی دانش آموختگان دانشگاه ها در مرکز دانش و صنعت گروه خودروسازی سایپا (پارک ارتباط دانشگاه و صنعت) بکارگرفته شدند.

براساس اطلاعات موجود از دوره آقای احمدی نژاد، در آن دوره قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی متکی به تلاش های علمی و دستاوردهای تحقیقاتی در راستای تجاری سازی بود؛ لذا برنامه های توسعه کشور به گونه ای بود که به جامعه بیاموزد برای تولید ثروت باید فعالیت علمی و پژوهشی انجام داد و این فعالیت هاست که می تواند به تولید منجر شود.

۲.۳.۵ روایت علم و فناوری در دولت روحانی (اقتصاد دانش بنیان - اقتصاد اطلاعاتی)

به نظر می‌رسد با توجه به روند جهانی رشد و توسعه در زمینه‌های علوم بنیادی و فناوری اطلاعات و دیدن فاصله رو به تزاید بین ایران و سایر کشورهای دارای این علوم، تلاش‌های برای کم کردن این فاصله از طریق سیاست‌گذاری‌های دانش بنیان صورت گرفت. در این دوره نقش نیروی انسانی ماهر و متخصص، شرکت‌های دانش بنیان و زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای ساختن اقتصاد نوظهور زیستی و زایش اقتصاد مقاومتی برجسته شده بود. براساس اطلاعات موجود، یکی از متولیان اصلی در راستای ورود به عرصه اقتصاد زیستی ارزش افزای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود که با جدیت تمام و با هدایت مراکز علمی و پژوهشی در جهت تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان و سند چشم‌انداز، نقشه جامع علمی و سیاست‌های کلان علم و فناوری کشور و کسب سه درصد بازار زیست‌فناوری جهان گام برمیداشت.

آنچه که می‌توان در دوره آقای روحانی در رابطه با نقش وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری دید این است که وزارت مذکور تلاش وافری داشت تا بتواند با ورود به عرصه ارزش افزای حمایت از فرآیند تبدیل علم به فناوری‌های مفید مورد نیاز در خدمت اقتصاد دانش بنیان امروز و اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان، به منظور پیاده‌سازی راهبرد «جهت دادن چرخه علم و فناوری و نوآوری به ایفای نقش مؤثر در اقتصاد» و تحقق هدف کلان «افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش فناوری داخلی به بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور» از طریق گسترش همکاری و تعامل سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به ویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال و اقتدار کشور قدم بردارد، که بنظر میرسد تحقق این موارد نیازمند زمان بیشتر و بسترهای نظری روشن‌تری بودند.

آنچه که در تحلیل‌ها و اسناد دوره آقای روحانی می‌توان دید این مهم بود که در راستای تحقق برنامه اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش بنیان، بازنگری در زنجیره تأمین ایده تا بازار بعنوان مهم‌ترین اقدامی که می‌توانست منجر به خلق ثروت و ارزش‌آفرینی در کشور شود، مورد اهتمام قرار گرفت و در همان راستا، تکمیل حلقه واسط بین تولید علم، فناوری و بازار بعنوان یکی از ضروریاتی که وزارت علوم تلاش میکرد در فضای پساتحریم و در تعامل با سایر دستگاه‌ها و بخش خصوصی به نقش‌آفرینی در آن بپردازد، مورد توجه قرار گرفت.

تاکیدات فراوانی در این دوره بر اقتصاد دانش بنیان با هویت تنها راه مقاوم سازی اقتصاد، شده بود و در همین راستا سرتیتر برنامه چهارم توسعه و محور اصلی برنامه پنجم توسعه همین مهم بود. داده‌ها نشان می‌دهند که برای تحقق این نگاه، ۱۵۰ مرکز رشد برای به بار نشاندن ایده‌های نوآورانه تاسیس شدند و ۳۴ پارک علم و فناوری در کشورمان فعال شدند، که همه با هویت تغذیه کننده اقتصاد دانش بنیان بودند. کریدورهای علم و فناوری با هویت تغذیه کننده اقتصاد دانش بنیان مورد حمایت وزارت علوم بود. بنگاه‌های داخلی تلاش میکردند توانایی فناورانه و رقابتی خود را بالا ببرند و با اتکا بر منابع داخلی و توانایی خودشان شرایط را جهت توسعه و رونق بنگاه فراهم آورند. بنظر میرسد این تلاش در واقع یکی از ریشه‌های نبود شغل برای فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، که عدم اتصال دانشگاه با عرصه‌های تولید، خدمات، صنعت و کشاورزی بود، را نشانه گرفته بود.

از آنجاییکه مهمترین زیر نظام‌ها برای عرضه و تقاضای محصولات دانش بنیان، زیر نظام حقوق مالکیت فکری و استانداردسازی محصولات بودند بایستی تقاضا برای خریداری محصولات شرکت دانش بنیان ایجاد میشد و ایجاد و افزایش این تقاضا برای فعال کردن تولید و عرضه محصولات دانش بنیان نیاز به فرهنگ سازی گسترده داشت که با توجه به داده‌ها به نظر محقق با این مهم فاصله معنا داری وجود داشت. همچنین تا جایی که یک محصول در داخل کشور موجود بود، نبایستی به محصولات خارجی نگاه میشد و تا جایی که توانمندی در کشور وجود داشت در جهت افزایش این توانمندی‌ها گام برمی داشتند و با پشتیبانی خود زمینه‌ساز تولید محصولات بیشتر میشدند و همه این امور در راستای ایجاد گفتمان مقاومتی در شرایط تحریم و پس از تحریم بود.

در آن دوره بر انسجام میان نهادهای سیاست گذار علم و فناوری برای رسیدن به اهداف تاکید داشتند و شورای عالی انقلاب فرهنگی در جهت این انسجام تلاش میکرد و از طرفی دست همکاری به سوی سایر نهادهای سیاستگذار علم و فناوری، بخصوص معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری دراز کرده بود. با توجه به منابع موجود، وزارت علوم بعنوان متولی اصلی در حوزه فرهنگ سازی و تلاش در جهت غالب شدن گفتمان علم و فناوری در راستای اقتصاد دانش بنیان در کشور بسیار تلاش میکرد.

چیزی که با توجه به اسناد و داده‌های موجود می‌توان به آن اشاره کرد این بود که در طی دوره‌های مختلف شاهد نسل‌های متنوعی از دانشگاه‌ها یعنی نسل اول دانشگاه آموزش محور و نسل دوم دانشگاه پژوهش محور و نسل سوم دانشگاه‌های کارآفرین بودیم، که تمرکز دولت

روحانی بر دانشگاه‌های کارآفرین و مراکز رشد با هدف اقتصاد دانش بنیان بود. بنابراین در همین راستا، صندوق نوآوری و شکوفایی با مصوبه مجلس شورای اسلامی با هدف ارائه تسهیلات به شرکتهای دانش بنیان و حمایت از ایده‌های نوآورانه شکل گرفت.

از نشانه‌های تاکید و تلاش برای کارآفرینی و تولید دانش بنیان با توجه به داده‌ها، برجسته‌تر شدن دانشگاه بزرگ فنی و حرفه‌ای بعنوان مصداق عینی و عملی دانشگاه کارآفرین در دوره مورد مطالعه بود.

همچنین تاکید بر زمینه‌هایی که باعث حفظ هویت دانشگاه و شکل‌گیری صحیح دانشگاه کارآفرین بود، تاکید بر کارآفرینی و نوآوری بدلیل اینکه ترکیبی از ایده‌ها و ترکیبی از مردم بود، البته عامل مهم دیگر به نظر محقق شکل‌گیری نگاه بین رشته‌ای در این نوع آموزش بود.

زمینه‌های همکاری آموزشی و پژوهشی بین کشورهای ایران، ژاپن، تانزانیا و ... ازجمله برای تبادل دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، توسعه کرسی‌های ژاپن شناسی در ایران و کرسی‌های ایران شناسی و ... فراهم شده بود. همه این اطلاعات موید آن است که در دوره مذکور آسیب شناسی به طور نسبتاً معقولی انجام شده بود که البته رفع آسیب، به نظر محقق، همکاری‌های جدی بین سازمانی در نهاد کلان حاکمیت را می‌طلبد.

براساس داده‌های مکتسبه از منابع، رایانش ابری، نرم افزار، مغز افزار، سخت افزار، بلاک چین و ارز رمز ملی در راستای توسعه ملی و اقتصاد دانش بنیان بسیار اهمیت پیدا کرد. نکته مورد دغدغه محقق در آن دوره هشدار اثرات منفی علم و فناوری بر طبیعت در دو قرن اخیر بود که متأسفانه بیشتر شده بود و مهم‌ترین شعار اغلب کشورهای توسعه یافته در بزرگ‌ترین مجامع بین‌المللی حفظ کره زمین بود. نگرانی از سرعت چشمگیر پیشرفت فناوری و این که ابزارهایی نظیر اینترنت زندگی امروز را تسهیل کرده و اهمیت بسزایی هم دارد، این است که این جریان پرشتاب، یک‌سری عادات، رسوم و آداب مهم را از بین برده است. محقق معتقد است توجه به این مهم که فناوری یک فرهنگ را با خود حمل می‌کند و ضرورت آشنایی با عواقب اخذ کورکورانه آن در آن دوره پر رنگ تر از گذشته شده بود.

با توجه به داده‌های موجود، بنگاه‌های داخلی در دوره فوق‌الذکر هویتی تاثیر گذار بر اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش بنیان داشتند و تلاش میکردند توانایی فناوریانه و رقابتی خود را نیز بالا ببرند و با اتکا بر منابع داخلی و توانایی خودشان شرایط را جهت توسعه و رونق بنگاه متبوعشان فراهم آورند.

۶. نتیجه‌گیری و بحث

نتیجه‌گیری این مقاله، در برگیرنده یک نگاه گفتمانی-روایتی می‌باشد. با بررسی‌های گفتمانی که در دولت‌های مذکور صورت گرفت، مشخص گردید که مفهوم سیاستگذاری علمی-فناورانه در دولت‌های مختلف به اقتضای شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود در جامعه در سطح نمودها و عناوین گاهی کاملاً و گاهی اندکی متفاوت بوده است. براساس آنچه شون (Martin & Schön, 1996) و فیشر (Fischer, 2003) گودن (۲۰۰۹) و... در کتاب یا مقالات خود مطرح کرده‌اند، خط‌مشی‌ها و سیاستگذاری‌های علم و فناوری تا حد زیادی براساس روایت‌ها و داستان‌های حول موضوع علم و فناوری در هر دولت طراحی و تدوین می‌شوند و چیزی جز یک عنوان و نام (مثلاً تجاری‌سازی، اقتصاد دانش‌بنیان و...) نیستند و گاهی تفاوت ماهوی چندانی با سیاستگذاری‌های قبل ندارند. بر اساس آنچه که کاپلان (Kaplan) ذکر کرده است، چارچوب‌های خط‌مشی معمولاً روایت یا داستان‌هایی هستند که به شرایط معنا می‌بخشند (Kaplan, 1986) معمولاً این پیشنهادها خط‌مشی که در پایان روایت‌ها ارائه می‌شوند، چندین موضوع زودگذر هستند که هر سال تکرار می‌شوند، مانند افزایش سهم صنعتی تحقیق و توسعه در بودجه ملی، افزایش کاربرد پژوهش عمومی، نیاز به اصلاحات ساختاری (به‌وسیله پذیرش فناوری‌های جدید) و... به علاوه، در چارچوب نظری (نگرش دوم به زبان یعنی زبان سازنده واقعیت است) هم گفته شد، که معنا خارج از زبان وجود ندارد و ما همه چیز را از طریق زبان می‌فهمیم و زبان جهان ما را می‌سازد و همانطور که هایدگر نیز گفته است ما در خانه زبان زندگی می‌کنیم. بنابراین روایت‌ها و گفتمان‌های مختلف می‌توانند یک جهان معنادار را بسازد. و روایت‌ها خط داستان (Storyline) خود را از فراروایت‌ها (Metanarratives) (همچون علم، توسعه و پیشرفت و...) می‌گیرند. ما فراروایت‌ها را نه به عنوان روایت بلکه به عنوان واقعیت تجربه می‌کنیم (مطلق Absoulte و جهانشمول Universal) و کاملاً طبیعی و نرمال به نظر می‌رسند. واسازی و تحلیل گفتمان راهی است برای به‌چالش کشیدن فراروایت‌ها یعنی آنچه که طبیعی به نظر می‌رسد.

موانع در مسیر نگاه روایتی-گفتمانی به خط‌مشی و سیاستگذاری‌ها می‌تواند مباحث کلی‌تری از بررسی صرفاً نقاط ضعف عملکرد دولتمردان را در برگیرد. به طور نمونه، از نگاه بلومارت (Blommaert) تأثیرات مطالعات فرهنگی بریتانیا در تحلیل گفتمان انتقادی و تلاش برای ایجاد یک خط اقتدار مرتبط با هم به جای ارائه تأثیرات یک شبکه اصیل تاریخی در واقع منجر به اقتدار گفتمانی برای بریتانیا و حفظ آن شده است (Blommaert & Mesthrie, 2005) از

طرف دیگر، در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ایران، و تحت تاثیرات انقلاب ۱۳۵۷، جنگ و... و به دلیل وسعت عقب ماندگی ظاهرا فرصت مطالعات ریشه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های علمی - فناورانه نبود و به جای آن فرمتها، مدل‌ها و سیاست‌گذاری‌های غربی برای جبران عقب ماندگی‌ها از سوی دولتمردان به سرعت تجویز شد. اگرچه در دو دهه اخیر به تاثیرات مضر فرهنگی و اجتماعی ورود تکنولوژی و چنین سیاست‌گذاری‌هایی پرداخته شده است و راه‌حلی‌هایی چون بومی‌سازی و به قول گودن چنگ انداختن به عناوین دیگری برای سیاست‌گذاری‌ها مثلا از تجاری‌سازی به اقتصاد دانش بنیان ارائه شده است، اما برای رفتن از فرا روایتی چون پیشرفت که مدعی جهانشمولیت و اطلاقیت است و کاملا یک جریان نرمالایز و طبیعی شده به نظر می‌رسد، بایستی نگاهی بسیار نقادانه‌تر و پارادایم فکری همه جانبه‌تری داشت. در این مسیر، بررسی نقادانه روایت‌های سازنده سیاست‌گذاری‌ها، می‌تواند راهگشای بسیاری از تحلیل‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، بازنگری‌ها و... باشد. از این روست که پس از این شاید نیاز باشد بدنبال بررسی فراروایت‌هایی باشیم، فراروایت‌هایی که به روایت‌ها خط داستان می‌دهند و روایت‌هایی که در پی آنها، یعنی بر اساس خط داستان‌ها، ساخته می‌شوند و بدنبال آنها چارچوب‌هایی با عناوین مختلف برای سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌ها ظهور پیدا می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. منابع مالی مطالعه حاضر از پایان‌نامه دکتری استخراج و با پشتیبانی مالی دبیرخانه شورای عالی عتف انجام شده است.

کتاب‌نامه

پارسانیا، حمید؛ پرهیزکار، غلامرضا. (۱۳۹۲). سیاست علمی در ایران پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر علوم انسانی در اسناد بالا دستی)، معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱۷، صص ۹۶-۷۱.

پورعلی، سعید؛ فیرحی، داوود. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمانی سیاست‌گذاری فرهنگی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی، سیاست‌گذاری عمومی، ۱(۴)، صص ۱۶۹-۱۳۵.

حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ رضائی پناه، امیر. (۱۳۹۷). تبیین سیر تطور وجه عملگرایانه گفتمان موعودگرایی در الهیات سیاسی یهودی-اسرائیلی، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۲۶، صص ۱۵۷-۱۲۵.

خلیلی، ابراهیم؛ خورسندی طاسکوه، علی؛ آراسته، حمیدرضا؛ غیاثی ندوشن، سعید. (۱۳۹۶). تحلیل
گفتمان انتقادی تاریخی از استقلال دانشگاهی نظام آموزش عالی ایران، آموزش عالی ایران، ۳۶،
صص ۵۵-۲۹.

سعید آبادی، زهرا؛ هاشمی، شهناز؛ سلطانی فر، محمد. (۱۳۹۶). محیط زیست؛ مفهومی چندگانه در
علوم انسانی، راهبرد، ۸۳، صص ۲۱۳-۱۸۷.

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ۱۴۰۴. (۱۳۸۲). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>.

شیربگی، ناصر؛ عبدالله زاده، نسیم. (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان سیاستگذاری آموزشی در نظام آموزش عالی
ایران، سیاستگذاری عمومی، ۶(۲)، صص ۲۰۰-۱۷۹.

فرستخواه، مقصود. (۱۳۸۶). بررسی لوازم و ابعاد فرهنگی صنعت- بازار دانش. تهران: پژوهشگاه
فرهنگ، هنر و ارتباطات.

ماده ۹ برنامه چهارم توسعه. (۱۳۸۳). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>.

ماده ۲۶ برنامه چهارم توسعه. (۱۳۸۳). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>.

مهرآیین، مصطفی (۱۳۹۲). نظریه و روش تحلیل گفتمان. تهران: موسسه مطالعاتی رخداده تازه.

مهرآیین، مصطفی (۱۳۹۶). درسگفتار تحلیل گفتمان (هنر). تهران، موزه ملک.

مهرآیین، مصطفی (۱۳۸۶). شرایط تولید فرهنگ: ریشه های ظهور مدرنیسم اسلامی در هند، مصر و
ایران. رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

Abram, S. (2005). Introduction: Science/technology as politics by other means. *Focaal*, 2005(46), 3-20.

Blommaert, J., & Mesthrie, R. (2005). *Discourse: A critical introduction* (Vol. 10). Cambridge: Cambridge University Press.

Calvert, B., Casey, N., Casey, B., French, L., & Lewis, J. (2007). *Television studies: The key concepts*. Routledge.

Claissse, F., & Delvenne, P. (2017). As above, so below? Narrative salience and side effects of national innovation systems. *Critical Policy Studies*, 11(3), 255-271.

Elzinga, A. (2004). Metaphors, models and reification in science and technology policy discourse. *Science as Culture*, 13(1), 105-121.

Feindt, P. H., & Oels, A. (2005). Does discourse matter? Discourse analysis in environmental policy making. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 7(3), 161-173.

Fisher, E. (2010). Contemporary technology discourse and the legitimization of capitalism. *European Journal of Social Theory*, 13(2), 229-252.

- Fischer, F. (2003). *Reframing public policy: Discursive politics and deliberative practices*. Oxford University Press.
- Flink, T., & Kaldewey, D. (2018). The new production of legitimacy: STI policy discourses beyond the contract metaphor. *Research policy*, 47(1), 14-22.
- Foucault, M. (2013). *Archaeology of knowledge*. routledge.
- Gee, J. P. (2004). *An introduction to discourse analysis: Theory and method*. routledge.
- Godin, B. (2009). The making of science, technology and innovation policy: conceptual frameworks as narratives, 1945-2005.
- Goffman, E. (1974). "Frame Analysis: An Essay on the Organization of Experience," Cambridge (Mass.): MIT Press, p. 10.
- Hofmann, J. (1995). Implicit theories in policy discourse: An inquiry into the interpretations of reality in German technology policy. *Policy sciences*, 28(2), 127-148.
- Howarth, D. (2000). *Discourse*. McGraw-Hill Education (UK).
- Jamison, A., & Hård, M. (2003). The story-lines of technological change: Innovation, construction and appropriation. *Technology Analysis & Strategic Management*, 15(1), 81-91.
- Jørgensen, M. W., & Phillips, L. J. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. Sage.
- Kaplan, T. J. (1986). The narrative structure of policy analysis. *Journal of Policy Analysis and Management*, 5(4), 761-778.
- Kallerud, E. (2011). Goals conflict and goal alignment in science, technology and innovation policy discourse. *Nordic Institute for Studies in Innovation, Research and Education (NIFU)*. Disponível em: < <http://www.csiic.ca/PDF/Kallerud.pdf> >. Acesso em, 3.
- Kukkonen, A., & Ylä-Anttila, T. (2020). The science-policy interface as a discourse network: Finland's climate change policy 2002-2015. *Politics and Governance*, 8(2), 200.
- Miettinen, R. (2013). *Innovation, human capabilities, and democracy: Towards an enabling welfare state*. Oxford University Press.
- Rein, M., & Schön, D. (1996). Frame-critical policy analysis and frame-reflective policy practice. *Knowledge and policy*, 9(1), 85-104.
- Schubert, K. (2015). Comment on 'The Narrative Policy Framework: child or monster?'. *Critical Policy Studies*, 9(3), 372-374.
- Shaw, S. E., & Greenhalgh, T. (2008). Best research-for what? Best health-for whom? A critical exploration of primary care research using discourse analysis. *Social Science & Medicine*, 66(12), 2506-2519.
- Shanahan, E. A., Jones, M. D., McBeth, M. K., & Lane, R. R. (2013). An angel on the wind: How heroic policy narratives shape policy realities. *Policy Studies Journal*, 41(3), 453-483.
- Shi-Xu, A cultural approach to discourse. Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2005
- Weiss, D. (2019). Round hole, square peg: a discourse analysis of social inequalities and the political legitimization of health technology in Norway. *BMC public health*, 19(1), 1-15.

Weiss, G., & Wodak, R. (Eds.). (2007). Critical discourse analysis. New York: Palgrave Macmillan.

Wetherell, M., Taylor, S., & Yates, S. J. (Eds.). (2001). Discourse theory and practice: A reader. Sage.

